

بررسی و مقایسه شخصیت‌پردازی در دو مجموعه داستان روسی و ایرانی: «سکوت کیست؟» اثر یوفگنی قلی‌اف و «فاصله‌ای که پیر شد» اثر محمدرضا شمس

دکتر مهیود فاضلی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا (س)

ma.fazeli@alzahra.ac.ir

فاطمه اشرفی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا (س)

fatemeh.ashrafii@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی و مقایسه شخصیت‌پردازی در دو کتاب کودک و نوجوان از دو ملیت مختلف با عنوان «سکوت کیست؟» نوشته نویسنده روسی «یوفگنی قلی‌اف» و «فاصله‌ای که پیر شد» نوشته «محمدرضا شمس» می‌پردازد. مسئله اصلی این پژوهش بررسی وجوه اشتراک و افتراق دو اثر در شخصیت‌پردازی و مقایسه آن‌ها با یکدیگر است. شخصیت و شخصیت‌پردازی در ادبیات کودک یکی از مهم‌ترین عناصری است که باید به آن توجه شود؛ زیرا این نوع ادبیات مخاطبانی دارد که در دوره بلوغ فکری و روحی هستند و هم‌ذات‌پنداری با شخصیت‌های داستان موجب تأثیراتی عمیق در روح و شخصیت آن‌ها خواهد شد. از ویژگی‌های هر دو کتاب، ارزش‌گذاری بر اشیاء و حیوانات و موجوداتی است که در داستان‌های کودک و نوجوان کمتر به آن‌ها پرداخته شده است. جان‌بخشی و چگونگی به‌کارگیری آن در ساده‌تر کردن مفاهیم پیچیده و دور از ذهن کودک، ابزاری است که روش هر دو نویسنده در به‌کارگیری آن متفاوت است؛ اما هدف و حتی بعضی از مفاهیم اصلی در هر دو کتاب مشترک است. در این مقاله علاوه بر بیان انواع شخصیت‌ها در هر دو اثر، مهم‌ترین داستان‌های هر دو مجموعه نیز تحلیل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ادبیات کودک و نوجوان ایران، ادبیات کودک و نوجوان روسیه، شخصیت‌پردازی، «سکوت کیست؟»، «فاصله‌ای که پیر شد»

www.anjomanfarsi.ir

۱. مقدمه

ادبیات کودک در ایران در معنای افسانه‌ای و فرهنگی - قومی خود قدمتی به قدمت ملت ایران دارد؛ اما از تولد آن در معنای نوین (ادبیاتی که مختص کودکان آفریده شده باشد) هنوز یک سده نیز نمی‌گذرد. محمدرضا شمس «از جمله نویسندگان و مترجمان ادبیات کودک و نوجوان است که در دهه‌های اخیر در حوزه ادبیات کودک فعالیت‌های بسیاری داشته است. از آثار او می‌توان به کتاب‌های: یک سبد سیب، خواب و پسرک، افسانه روباه حیل‌گر و فاصله‌ای که پیر شد اشاره کرد.

«یوفگنی قلی‌اف»، شاعر، نمایشنامه‌نویس، مترجم و زبان‌شناس روسی است که در حوزه ادبیات کودک روسیه آثاری موفق و قابل توجه دارد. قصه‌های او در کتاب‌های درسی مدرسه گنجانده شده است. از جمله آثار او می‌توان به کتاب‌های سایه‌ها، بین دو صندلی و سکوت کیست؟ اشاره کرد. (<https://m.livvelib.ru/author/evgenij-klyuev>) در این پژوهش مجموعه داستان «سکوت کیست؟» بررسی می‌شود. هر دو اثر شامل داستان‌هایی خیال‌انگیز هستند که در این پژوهش از لحاظ شخصیت‌پردازی بررسی و مقایسه شده‌اند.

۲. روش و هدف پژوهش

با استفاده از روش کتابخانه‌ای و شیوه تحلیل محتوا، شخصیت‌های دو مجموعه داستان و عملکرد آنان تحلیل می‌شود. هدف از این تحلیل، بیان این مطلب است که به‌کارگیری شخصیت‌های ساده و نو برای بیان مضمون‌های مهم و پیچیده به کودک چقدر موفقیت‌آمیز خواهد بود. دیگر اینکه به‌کارگیری شخصیت‌هایی که در پیرامون کودک هستند، در داستان چقدر باعث اجتماعی‌تر شدن کودک و همچنین گسترش تخیل او خواهد شد و با توجه به اینکه جامعه دو نویسنده متفاوت است، مفاهیم مشترک انسانی مانند صلح، جنگ، عشق و... چگونه در هر دو کتاب بازتاب یافته‌اند.

۳. ادبیات کودک: تعریف، تاریخچه و طبقه‌بندی

۳-۱ تعریف ادبیات کودک

ادبیات کودک نیز مثل ادبیات بزرگسالان می‌کوشد جنبه‌های زشت و زیبا، تراژیک و کمیک و پست و والای دنیای هستی را جستجو، ارزیابی و بازآفرینی هنری کند. ادبیات کودک در جهان و ایران هر چه از گذشته به زمان حاضر نزدیک شده از رویکرد آموزشی به رویکرد زیبایی‌شناختی نزدیک‌تر شده است. به نظر می‌رسد هم‌بستگی و هم‌زمانی معناداری بین اولویت یافتن عنصر زیبایی در ادبیات کودک و به رسمیت شناخته شدن دوران کودکی در جوامع بشری وجود داشته باشد (حجوانی، ۱۳۸۹: ۱۲۰) «ادبیات کودک شامل بخشی از ادبیات است که برای کودکان از سن پیش‌دستانی تا پایان دوره نوجوانی مناسب تشخیص داده شده است، کتاب‌های تصویری، قصه‌های فرهنگ‌عامه، داستان‌های رئالیستی، داستان‌های علمی، شعر و بسیاری نوشته‌های دیگر که از نظر چگونگی به‌طور خاص برای کودکان و نوجوانان مناسب است از این جمله‌اند» (پولادی، ۱۳۸۴: ۲۳).

۳-۲ پیشینه ادبیات کودک در ایران و روسیه

ادبیات کودک ایران قبل از مشروطه را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- ۱- ادبیات خواص: اندرزنامه‌هایی که برای شاهزادگان و امیرزادگان نوشته می‌شد.
 - ۲- ادبیات کلاسیک: گلستان و بوستان سعدی، شاهنامه فردوسی و...
 - ۳- ادبیات عامه: قصه‌ها و مثل‌ها و چیستان‌ها و... مانند هزارویک‌شب و امیرارسلان.
- ادبیات کودک به معنی ادبیاتی که به‌طور مشخص برای کودکان آفریده شده به بخش اخیر تاریخ ادبیات ایران تعلق دارد. جنبش مشروطه تحولات بسیاری را در آموزش و تربیت کودکان ایران به همراه داشت. ادبیات آموزشی به‌عنوان یکی از شاخه‌های ادبیات کودک زودتر از شاخه‌های دیگر شروع به رشد کرد. دهه ۴۰ شمسی نقطه عطفی در ادبیات کودک ایران است که با تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و همچنین شروع کار شورای کتاب کودک همراه است. در این سال‌ها مترجمان و نویسندگان بسیاری به کار کودک علاقه نشان دادند. در دو دهه ۵۰ و ۶۰ شمسی فعالیت‌ها سرعت بیشتری یافت و کنگره‌ها و گردهمایی‌های بسیاری برگزار شد. از دهه ۷۰ ش. به بعد فعالیت‌های نویسندگان و مترجمان به صورت‌های مختلف ادامه داشته است. از جمله تدوین فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، شرکت در کنگره‌ها و همایش‌های بین‌المللی، عضویت در هیئت‌داوران جایزه اندرسن و... (حجازی، ۱۳۸۱: ۴۰-۴۷).
- تاریخچه ادبیات کودک در اتحاد جماهیر شوروی به دو دوره قبل و بعد از انقلاب تقسیم می‌شود. از دوران قبل از انقلاب سخن بیشتر درباره روسیه و ریشه‌های ملی و گذشته تاریخی مردم و همچنین ایجاد علاقه به کار و فعالیت است و نویسندگانی چون پوشکین، ژوکوفسکی و تولستوی برای کودکان و درباره آنان داستان و شعر می‌نوشته‌اند. بعد از انقلاب ادبیات مردم و تهیه مطالبی برای خواندن که ذوق تحصیل و سازندگی را در نسل جوان پرورش دهد مورد توجه خاص قرار گرفت و نویسندگانی چون مایاکوفسکی و مارشاک به خلق افسانه‌ها، داستان‌ها و اشعار خاص کودکان پرداختند (ایمن، ۱۳۵۷: ۸-۱۵).

از ویژگی‌های عمده ادبیات کودک روسیه توجه به اهداف اجتماعی بود. کشاکش‌های سیاسی و ایدئولوژیکی، ادبیات کودک را نیز تحت تأثیر قرارداد. بعد از انقلاب و در زمان زمامداری استالین در شوروی بحث‌هایی بین طرفداران ادبیات تعلیمی و ادبیات تخیلی - هنری جریان یافت. برخی از نویسندگان با نشر داستان‌های رئالیستی برای کودکان مخالف بودند. هنگامی که گورکی نویسندگان را به نوشتن داستان‌های فانتزی برای کودکان دعوت کرد برخی از نویسندگان مثل ژوکوفسکی با نظر او مخالفت کردند، بعد از جریان استالین‌زدایی از بار ادبیات تعلیمی که قبلاً بر ادبیات کودک سنگینی می‌کرد، کاسته شد (پولادی، ۱۳۸۴: ۸۸).

۳-۳ تقسیم‌بندی ادبیات کودک

کمال پولادی انواع ادبیات کودک را به این شکل تقسیم‌بندی می‌کند: اسطوره، حماسه، افسانه، قصه‌های پندآموز، کتاب‌های تصویری، قصه‌های پریان، دانستنی‌های علمی، دانستنی‌های رئالیستی، داستان‌های حیوانات. بر اساس این تقسیم‌بندی، داستان‌های دو کتاب مورد بحث در دسته قصه‌های پندآموز جای می‌گیرند. «قصه‌های پندآموز یا فابل‌ها، قصه‌های کوتاه اخلاقی و گاه تمثیل‌اند که در آن‌ها حیوانات و گاه جمادات در هیئت چهره‌های مختلف حرف می‌زنند و حادثه می‌آفرینند و به این طریق پند معینی را تجسم می‌بخشند. یک قصه پندآموز در واقع پندمجسم در قالب یک قصه خیالی‌انگیز است. این مشخصه قصه‌های پندآموز را از انواع دیگر جدا می‌کند» (همان: ۳۶-۴۲).

در دیدگاه بنفشه حجازی ابتدا ادبیات کودک به سه دسته داستان، غیرداستان و شعر و سپس هر دسته به انواع مختلف تقسیم می‌شود. داستان‌های کودک به دو دسته داستان‌های واقعی و افسانه‌ها تقسیم می‌شود که هر کدام انواعی دارد. افسانه‌ها داستان‌هایی هستند که به علت دارا بودن عوامل تخیلی بسیار، ماجراهایشان امکان وقوع بسیار بعید یا غیرممکن را دارند و به چند دسته تقسیم می‌شوند: افسانه‌های عامیانه، افسانه‌های جدید، افسانه‌های پُرعجایب و افسانه‌های علمی (حجازی، ۱۳۸۱: ۱۰۳).

بر اساس این دسته‌بندی داستان‌های مورد بررسی ما در دو دسته افسانه‌های جدید و افسانه‌های پُرعجایب جای می‌گیرند. در افسانه‌های جدید نویسندگان از طرح‌های افسانه‌های عامیانه در خلق افسانه‌های جدید سود می‌جویند. مجدداً به حیوانات عجیب، غول‌ها و جادوگران، حیوانات سخنگو و اشیای سحرآمیز جان می‌دهند و حکمت مستتر در این قصه‌ها را با برداشتنی نو به خوانندگان خود ارائه می‌کنند (گزارش شورای کتاب کودک، ۱۳۵۳: ۸). در افسانه‌های پُرعجایب، امور سحرآمیزی در کنار واقعیت به چشم می‌خورد. در این افسانه‌ها، واقعیت و دنیای حال منعکس است و در آن‌ها موضوعاتی همچون اسباب‌بازی‌های زنده، جادوگران مدرن، جابجا کردن زمان و مکان و جهان عجایب در کنار دنیای واقعی وجود دارد (همان: ۲۹-۳۸).

۴. شخصیت و شخصیت‌پردازی

شخصیت‌ها افرادی هستند که در یک نمایشنامه یا اثر روایی دارای ویژگی اخلاقی و آگاهانه پیش شناخته‌اند. این ویژگی‌ها در گفتار و عملشان نشان داده می‌شود. انگیزه و زمینه‌ای که نویسنده می‌سازد، حالت و طبیعت اخلاقی شخصیت را برای گفتار و عمل تشکیل می‌دهد (Abrams, 2009: 22). «عامل شخصیت محوری است که تمامیت قصه بر مدار آن می‌چرخد. کلیه عوامل دیگر، عینیت، کمال، معنا و مفهوم و حتی علت وجودی خود را از عامل شخصیت کسب می‌کنند» (براهنی، ۱۳۹۳: ۲۶۴). هر عملی که از شخصیت‌ها سر می‌زند فقط در یک جهت سمبلیک نیست؛ زیرا یک سمبل ممکن است چندین بعد داشته باشد: با یک بعد موقعیت روانی و جسمانی یک شخصیت را نشان دهد و با بعد دیگر خود در کنار اعمال دیگر قرار گیرد و بدین ترتیب به سمبلی در طرح قصه بدل شود. در عین حال همان عمل ممکن است نشانه موقعیت خاص اجتماعی نیز باشد (همان: ۲۸۷).

۱-۴ انواع شخصیت

در این مقاله شخصیت‌ها بر اساس تقسیم‌بندی جمال میرصادقی (۱۳۷۶: ۱۱۳-۹۳) بررسی شده‌اند: پویا و ایستا، ساده و

جامع، اصلی و فرعی، مطلق و نسبی.

پویا و ایستا: شخصیت ایستا شخصیتی است که در داستان تغییری نکند و یا اندک تغییری را بپذیرد. شخصیت پویا شخصیتی است که یکریز و مداوم در داستان دستخوش تغییر و تحول باشد. ساده و جامع: شخصیت‌های ساده را می‌توان با جمله‌ای تعریف کرد اما شخصیت‌های جامع، پیچیده هستند و ابعاد بسیاری دارند.

اصلی و فرعی: هر داستان خوبی یک شخصیت اصلی بیشتر ندارد. حتی مواقعی هم که عمل در داستان بین دو شخصیت می‌گذرد و هر دو نفوذ زیادی بر داستان اعمال می‌کنند باز هم وقتی دقت کنیم می‌بینیم که نفوذ و اهمیت یکی از این دو بیشتر است. علاوه بر شخصیت اصلی ممکن است یک یا چند شخصیت دیگر نیز در داستان بیایند. این شخصیت‌ها را به طور کلی شخصیت‌های فرعی داستان می‌نامیم (یونسی، ۱۳۶۹: ۲۹۶).

مطلق و نسبی: منظور از شخصیت مطلق شخصیت با صفات ثابت و تغییرناپذیری است. کودکان در سنین پایین ذهنی مطلق‌گرا دارند و انسان دوشخصیتی یا انسان با رفتارهای مثبت و منفی را نمی‌پذیرند. کم‌کم که کودک بزرگتر و توانایی خواندنش گسترده‌تر می‌شود ساختار نیز گسترش می‌یابد و امکان حضور شخصیت‌های نسبی بیشتر می‌شود (همان: ۲۰۱ و ۲۰۲).

از دیگر انواع شخصیت‌ها که در دو اثر بررسی شده‌اند شخصیت قالبی، قراردادی، شخصیت نوعی (تیپ)، شخصیت تمثیلی، شخصیت نمادین و شخصیت همه‌جانبه هستند (همان).

۱- شخصیت قالبی: شخصیت‌هایی هستند که نسخه بدل یا کلیشه شخصیت‌های دیگر باشند. ظاهرش آشناست، صحبتش قابل پیش‌بینی است، نحوه عملش مشخص است، زیرا بر طبق الگویی رفتار میکند که ما با آن قبلاً آشنا شده ایم.

۲- شخصیت‌های قراردادی: افراد شناخته شده‌ای هستند که مرتباً در نمایشنامه‌ها و داستان‌ها ظاهر می‌شوند و خصوصیتی سنتی و جا افتاده دارند.

۳- شخصیت‌های نوعی یا (تیپ): این نوع شخصیت نشان‌دهنده خصوصیات گروه یا طبقه‌ای از مردم است که او را از دیگران متمایز می‌کند. شخصیت نوعی نمونه‌ای است برای امثال خود، برای آفریدن چنین شخصیتی باید حقیقت را از چند نمونه واقعی و زنده گرفت و با هنرمندی در هم آمیخت تا شخصیت نوعی مورد نظر آفریده شود.

۴- شخصیت‌های تمثیلی: شخصیت‌های جانشین شونده هستند به این معنا که شخصیت یا شخصیت‌هایی جانشین فکر و خلق و خو و خصلت و صفتی می‌شوند.

۵- شخصیت‌های نمادین: شخصیت‌هایی که نویسنده را قادر می‌کنند مفاهیم اخلاقی یا کیفیت‌های روحی را به قالب عمل درآورد.

۶- شخصیت‌های همه‌جانبه: این شخصیت‌ها با جزئیات بیشتر و مفصل‌تر تشریح و تفسیر می‌شوند. خصلت‌های فردی آنها متمایزتر از شخصیت‌های دیگر است (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۹۳-۱۱۳).

۲-۴ انواع شخصیت در ادبیات کودک

شخصیت‌ها در ادبیات داستانی کودکان به شش شاخه عمده تقسیم می‌شوند:

۱- شخصیت انسانی: به صورت شخصیت واقعی انسان عادی یا به صورت برخی از صفات و رفتارهای انسانی در قالب شخصیت‌های دیگر (جانوری، گیاهی و...) و یا شخصیتی انسانی، فراتر از درک عقلی و تجربی انسان است.

۲- شخصیت جانوری: به صورت جانوری با صفات انسانی به کار می‌رود.

۳- شخصیت گیاهی: شخصیت‌هایی که از جنس گیاه باشند و با برخی رفتارها و صفات انسانی شخصیت‌پذیر شوند.

۴- شخصیت پدیده‌های طبیعی غیرجاندار: انواع مختلفی از جمله رونده و تغییرپذیر: ابر، باد، باران/ ثابت: کوه، سنگ...

۵- شخصیت‌های دست‌ساز: تمام ساخته‌های دست انسان.

۶- شخصیت‌های ذهن‌ساخت: این شخصیت‌ها نشانه‌های روانی مناسب برای مطالعه روحیه و رفتار انسان‌ها هستند: غول، هیولا و ... (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۷۰-۱۸۸).

۳-۴ شیوه‌های شخصیت‌پردازی

شخصیت‌های داستانی به شیوه‌های مختلفی به خوانندگان معرفی می‌شود: ۱- روش روایت یا توصیف؛ ۲- از راه گفتگو؛ ۳- از راه اندیشه خود شخصیت؛ ۴- با استفاده از اندیشه دیگران؛ ۵- به مدد اندیشه شخص نویسنده؛ ۶- از راه کنش (عمل) (همان: ۲۱۲). هر یک از این عوامل به صورتی در معرفی شخصیت‌های داستانی سهیم هستند اما معرفی شخصیت از راه کنش و اندیشه و گفتگو اهمیت بیشتری دارد (همان).
در کتاب‌های مورد بررسی ما، بیشتر توصیف‌ها از طریق روایت نویسنده انجام گرفته است اما گهگاهی نیز از طریق اندیشه خود شخص و گفتگو توصیف صورت گرفته است.

۵. بحث و تحلیل داده‌ها

۱-۵ بررسی عنصر شخصیت در «سکوت کیست؟» و «فاصله‌ای که پیر شد»

«سکوت کیست؟» شامل ۲۱ داستان خیالی است (به جز «داستان‌های کوتاه درباره ماشنکا») و کتاب «فاصله‌ای که پیر شد» شامل ۱۲ داستان خیالی است (به جز داستان «مداد» و «خدا»):

۱-۱-۵ سمبلیک‌بودن شخصیت‌های دو داستان

سمبلیک‌بودن داستان‌ها، شخصیت‌ها و گفتگوی آنان در کتاب «سکوت کیست؟» به قدری زیاد و قابل توجه است که گویی نویسنده روسی تمام شخصیت‌های داستان را آگاهانه و به جا به کار برده است. برای مثال در داستان «توپ ترکیه» انتخاب دکمه گمشده برای دوستی با توپ بسیار دقیق است، توپی که پاره نبوده و حالا پاره است و دکمه‌ای که پارگی‌ها و جدایی‌ها را وصل می‌کرده و حالا به درد نمی‌خورد. این انتخاب‌ها چه آگاهانه باشد و چه ناخودآگاه، جای تأمل بسیار دارد. در داستان «خواب ترسناک»، «خواب کوچک پیژامه راه‌راه» نماد انسان‌هایی است که برخلاف جامعه خود قدم برمی‌دارند، «خواب زیبا و بزرگ سرتاپا آبی» نماد انسان‌های مسنی است که تسلیم آنچه همیشه بوده، می‌شوند، «خواب کوچک شئل قرمز» نماد انسان‌های انتقام‌جو و خشن و «صبح دل‌انگیز» نماد انسان‌های وارسته است.

در کتاب «فاصله‌ای که پیر شد»، سمبلیک‌بودن داستان‌ها و شخصیت‌ها گاه همراه با هنجارشکنی اتفاق می‌افتد؛ یعنی نویسنده یا شخصیت‌های سمبلیک پیشین را تغییر می‌دهد و یا شخصیت‌های سمبلیک جدید خلق می‌کند. در داستان «شنگول و منگول و حبه انگور ۲»، گرگ جایش با بز عوض می‌شود و شنگول و منگول و حبه انگور بچه‌های خانم گرگه هستند و بز به خانه آن‌ها می‌آید. یا در داستان «ناصر»، چاقویی به نام ناصر، شاعر است و در داستان «اسکلت»، اسکلتی به دنبال گرفتن جشن تولد است.

۲-۱-۵ نوع شخصیت در دو مجموعه داستان

۱-۲-۱-۵ نوع شخصیت‌ها در کتاب «فاصله‌ای که پیر شد»

جدول (۱): انواع شخصیت در داستان‌های کتاب «سکوت کیست»

داستان	شخصیت	جنس	اصلی/فرعی	ایستا/پویا	ساده/جامع	نوع
در خیلی پر سر و صدا	در خیلی پر سر و صدا	دست ساخت	اصلی	پویا	ساده	تمثیلی
	صندلی سینه جلو داده بالاتنه بلند	دست ساخت	فرعی	پویا	ساده	تمثیلی

تمثیلی	ساده	پویا	فرعی	دست ساخت	میز تحریر تقریبا دست و پاگیر	
تمثیلی	ساده	پویا	فرعی	دست ساخت	کمد دیواری سر تا پا آینه	
قالبی	ساده	ایستا	فرعی	پدیده طبیعی غیرجاندار	باد	
تمثیلی	ساده	پویا	فرعی	انسانی	دختر کوچک	
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	دست ساخت	ساعت آهنگین	ساعت آهنگین
قالبی	ساده	ایستا	فرعی	انسانی	پدر بزرگ	
نوعی	ساده	پویا	فرعی	انسانی	پسر بچه موطلابی	
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	دهن ساخت	خواب کوچک پیزامه راه راه	خواب ترسناک
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دهن ساخت	خواب زیبا و بزرگ سر تا پا آبی	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دهن ساخت	خواب کوچک شنل قرمز	
نمادین	ساده	ایستا	فرعی	پدیده طبیعی غیرجاندار	صبح دل انگیز	
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	دست ساخت	مداد معمولی	داستان‌های خیال‌انگیز مداد معمولی
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	چراغ خواب	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	مدادهای رنگین پوست	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	پدیده طبیعی غیرجاندار	ماه	
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	جانوری	ملخک	قانون طبیعت
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	جانوری	قورباغی	
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	جانوری	لک‌لکو	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	جانوری	کلاغ پیر	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	گیاهی	درخت بلوط	
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	پدیده طبیعی غیرجاندار	برف دانه سبک مغز	برف دانه سبک مغز
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	انسانی	پسر بچه موطلابی	
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	پدیده طبیعی غیرجاندار	ابر سفید شناور	قصه درباره به شکل چیزها درآمدن
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	پدیده طبیعی غیرجاندار	ابر آبی	
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	گیاهی	لیمو ترش اول	قدم رو
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	گیاهی	لیمو ترش دوم	
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	گیاهی	لیمو ترش سوم	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	جانوری	مگس	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	گیاهی	سیب‌ها	
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	جانوری	پرسفید	پر سفید
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	جانوری	پشه	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	انسانی	پلیس	
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	جانوری	بچه سنجاب	ستاره ای که از همه ستاره‌ها کوچک تر بود
قراردادی	ساده	ایستا	فرعی	جانوری	مادر سنجاب	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	جانوری	عمه سنجاب	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	پدیده طبیعی غیرجاندار	ستاره کوچولو	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	جانوری	کلاغ زولیده بال	
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	دست ساخت	توپ ترکیده	توپ ترکیده

تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	چوب اسکی	یاد دادن رفتار درست به جارو
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	راکت تنیس	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	دکمه	
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	دست ساخت	جاروی تازه	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	در قفسه	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	نیمکت بزرگ	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	قالیچه	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	جاروی دسته بلند	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	پایه قفسه	قوری کوچک
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	دست ساخت	قوری کوچک	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	ماهیتابه دهن گشاد	
نوعی	ساده	ایستا	فرعی	انسانی	آقای داستانسرا	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	جارو	
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	جانوری	عنکبوت کوچولو	دستمال سفره توری ظریف
قراردادی	ساده	ایستا	فرعی	پدیده طبیعی غیرجاندار	خورشید	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	جانوری	عنکبوت پیر	
تمثیلی	ساده	پویا	فرعی	جانوری	سوسک سیاه	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	جانوری	سوسک چاه حمام	
قالبی	ساده	ایستا	فرعی	انسانی	پسرک چشم درشت	جعبه آبرنگ
تمثیلی	ساده	ایستا	اصلی	انسانی	ملوان	
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	انسانی	دخترک	
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	انسانی	پسرک	یک تفنگ و یک قلب
قراردادی	ساده	ایستا	فرعی	انسانی	مادر	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	خرس قهوه ای	
تمثیلی	ساده	ایستا	اصلی	دست ساخت	تفنگ	
تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	دست ساخت	ماشین قرمز کوچولو	
نوعی	ساده	ایستا	فرعی	انسانی	مامور	سکوت کیست؟
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	ماشین سبز	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	روزوک موتوری	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	دوچرخه سوئی	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	ماشین ورزشی خاکستری	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	وانت باری بزرگ نارنجی	
تمثیلی	ساده	ایستا	اصلی	دست ساخت	چکمه کهنه	
تمثیلی	ساده	پویا	فرعی	دست ساخت	آقای چتر سیاه	چکمه کهنه سلام می‌رساند
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	پله چهارم نانویی	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	برس کفش خانم	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	کیف پارچه ای گلدار	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	جانوری	مادر زنبور عسل	سنجاقک سبز
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	جانوری	بچه زنبور عسل	
تمثیلی	ساده	ایستا	اصلی	جانوری	سنجاقک	
قالبی	ساده	ایستا	فرعی	پدیده طبیعی غیرجاندار	آقای هوا	عطر و بوی خوش
تمثیلی	ساده	ایستا	اصلی	دهن ساخت	عطر و بوی خوش	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	گیاهی	نسترن زرد	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	لیوان بلورین	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	عطر دان شکم گنده	

تمثیلی	ساده	پویا	اصلی	دست ساخت	بادکنک زرد	بادکنک زرد
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	بادکنک قرمز	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	بادکنک صورتی	
تمثیلی	ساده	ایستا	فرعی	دست ساخت	بادکنک آبی	
قالبی	ساده	ایستا	فرعی	پدیده طبیعی غیرجاندار	ابر سفید	
قالبی	ساده	ایستا	فرعی	پدیده طبیعی غیرجاندار	خورشید	
قالبی	ساده	ایستا	فرعی	گیاهی	سیب سرخ	

با توجه به جدول (۱) بعضی از شخصیت‌هایی که نویسنده روسی به کار می‌برد وسایلی هستند که چندان به آن‌ها توجه نمی‌شود و بسیار فرعی هستند؛ مثلاً در داستان «یاد دادن رفتار درست به جارو»، در قفسه و پایه قفسه نیز هر کدام شخصیتی جدا دارند، یا در داستان «چکمه کهنه سلام می‌رساند»، پله چهارم نانوایی شخصیتی است که دل می‌بندد و منتظر سلام چکمه کهنه است. تمام شخصیت‌های به‌کاررفته در داستان‌های کتاب «سکوت کیست؟» از نوع ساده هستند. در این کتاب ۷۰٪ شخصیت‌ها فرعی و ۳۰٪ شخصیت‌ها اصلی هستند. با توجه به تعداد داستان‌ها (۲۱ داستان) تعداد شخصیت‌ها زیاد هستند و این یعنی کرانه شخصیت‌ها در این کتاب بالا است. ۷۰٪ شخصیت‌های این کتاب ایستا و ۳۰٪ پویا هستند. که یعنی اغلب شخصیت‌ها تا پایان داستان ثابت مانده و دچار تحول نشده‌اند. با توجه به نمودار (۱) اغلب شخصیت‌ها تمثیلی و جایگزین افکار و یا اشخاص خاصی شده‌اند.

۲-۲-۱-۵ نوع شخصیت‌ها در کتاب "فاصله ای که پیر شد"

جدول (۲): انواع شخصیت در داستان‌های کتاب "فاصله ای که پیر شد"

داستان	شخصیت	جنس	اصلی/فرعی	ایستا/پویا	ساده/جامع	نوع
داستان غبار کوچک	غبار کوچک	ذهن ساخت	اصلی	ایستا	ساده	تمثیلی
	تخته سنگ‌ها	پدیده طبیعی غیر جاندار	فرعی	ایستا	ساده	تمثیلی
	نردبان	دست ساخت	فرعی	ایستا	ساده	تمثیلی
	فضانوردان	انسانی	فرعی	ایستا	ساده	تمثیلی
داستان نعلبگی	فنجان	دست ساخت	اصلی	ایستا	ساده	قالبی
	نعلبگی	دست ساخت	اصلی	ایستا	ساده	قالبی
	وسایل خانه	دست ساخت	فرعی	ایستا	ساده	تمثیلی
	قلک	دست ساخت	اصلی	ایستا	ساده	تمثیلی
داستان غول و چراغ جادو	غول	ذهن ساخت	اصلی	ایستا	ساده	قالبی
	چراغ جادو	ذهن ساخت	فرعی	ایستا	ساده	قالبی
	جن بوداده	ذهن ساخت	فرعی	ایستا	ساده	قالبی
	وسایل خانه غول	دست ساخت	فرعی	ایستا	ساده	قالبی
	جادوگر	ذهن ساخت	فرعی	ایستا	ساده	قالبی
داستان فاصله ای که پیر شد	در خانه	دست ساخت	فرعی	ایستا	ساده	تمثیلی
	چشمه	پدیده طبیعی غیر جاندار	فرعی	پویا	ساده	تمثیلی
	بوته گل	گیاهی	فرعی	پویا	ساده	تمثیلی
داستان آفاهه	فاصله	ذهن ساخت	اصلی	پویا	ساده	تمثیلی
	آفاهه	انسانی	اصلی	پویا	ساده	تمثیلی
	پله، آینه، لامپ، قالی، تیشه	دست ساخت	فرعی	ایستا	ساده	تمثیلی
	گورخر	جانوری	فرعی	ایستا	ساده	تمثیلی
	چشمه	پدیده طبیعی غیر جاندار	فرعی	ایستا	ساده	تمثیلی
داستان آرزوی اسکلت	خانمه	انسانی	فرعی	ایستا	ساده	تمثیلی
	اسکلت	ذهن ساخت	اصلی	ایستا	ساده	تمثیلی
	شیرینی فروش	انسانی	فرعی	ایستا	ساده	نوعی

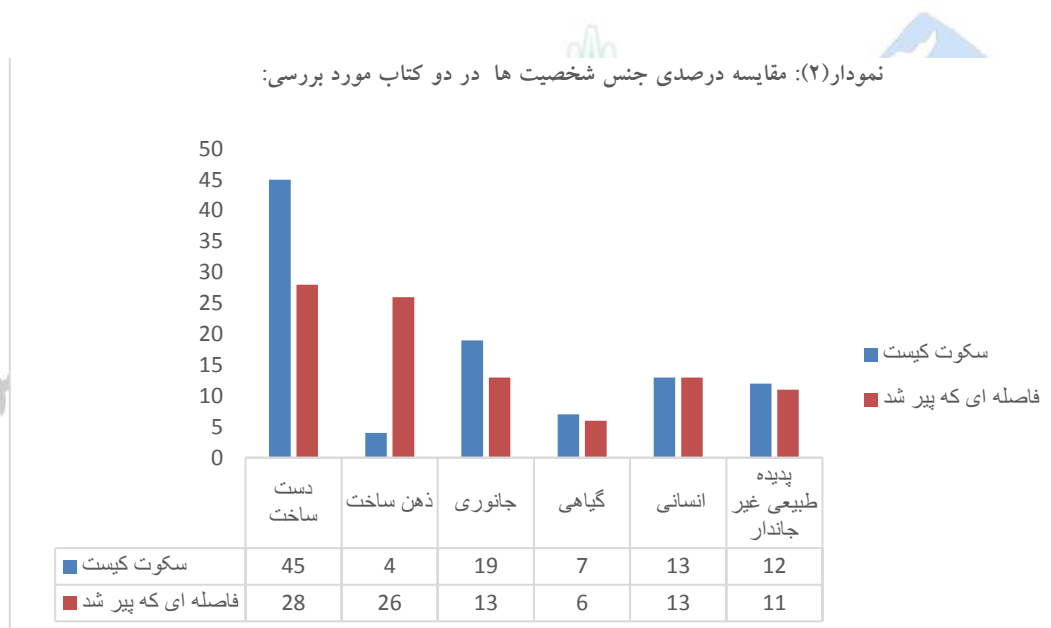
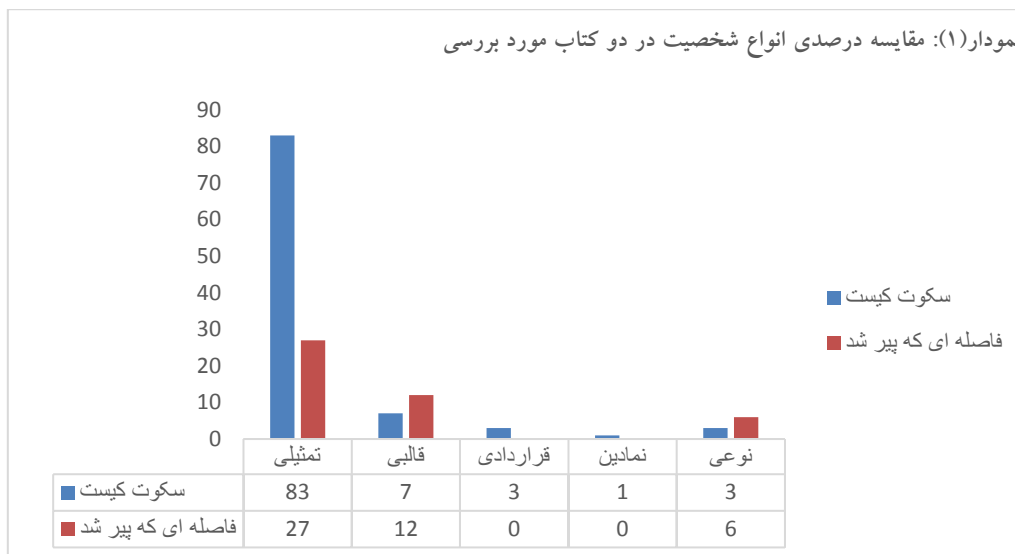
جدول (۲): انواع شخصیت در داستان‌های کتاب "فاصله‌ای که پیر شد"

داستان	شخصیت	جنس	اصلی/فرعی	ایستا/پویا	ساده/جامع	نوع
شنگول و منگول و حبه انگور ۲	گرگ	جانوری	اصلی	ایستا	ساده	نوعی
	شنگول و منگول و حبه انگور	جانوری	فرعی	ایستا	ساده	نوعی
	زنگوله پا	جانوری	اصلی	پویا	ساده	نوعی
	دلاک	انسانی	فرعی	ایستا	ساده	قالبی
آقای نمکدان	آقای نمکدان	دست ساخت	اصلی	پویا	ساده	تمثیلی
	خانم شکرپاش	دست ساخت	فرعی	ایستا	ساده	تمثیلی
آینه‌ها	عناصر طبیعی	پدیده طبیعی غیر جاندار	فرعی	ایستا	ساده	تمثیلی
	هیولای سه پا	ذهن ساخت	اصلی	پویا	ساده	تمثیلی
	هیولای سر عنکبوتی	ذهن ساخت	اصلی	پویا	ساده	تمثیلی
	آلازنگی دیو	ذهن ساخت	اصلی	پویا	ساده	تمثیلی
دماغ جادوگر	جادوگر	ذهن ساخت	فرعی	ایستا	ساده	نوعی
	دماغ جادوگر	ذهن ساخت	اصلی	ایستا	ساده	قالبی
	راننده اتوبوس و مسافران	انسانی	فرعی	ایستا	ساده	نوعی
سیب کرم به دوش	سیب قرمز	گیاهی	اصلی	پویا	ساده	تمثیلی
	کرم‌ها	جانوری	فرعی	ایستا	ساده	قالبی
	درخت	گیاهی	فرعی	ایستا	ساده	قالبی
	باد	پدیده طبیعی غیر جاندار	فرعی	ایستا	ساده	قالبی
	مورچه‌ها	جانوری	فرعی	ایستا	ساده	تمثیلی
ناصر	ناصر	دست ساخت	اصلی	ایستا	ساده	تمثیلی
	کاسه بشقاب و دیگ و دیگچه	دست ساخت	فرعی	پویا	ساده	تمثیلی
	پنجره	دست ساخت	فرعی	ایستا	ساده	تمثیلی

با توجه به جدول (۲) در داستان‌های «فاصله‌ای که پیر شد»، نویسنده گاهی شخصیت‌هایی را که اصلاً به هم مربوط نمی‌شوند، کنار هم می‌آورد؛ مانند اسکلت و شیرینی فروش، دماغ جادوگر و راننده اتوبوس؛ اما همین شخصیت‌ها به گونه‌ای کنار هم قرار می‌گیرند که بی‌ربط بودن آن‌ها با هم اصلاً به چشم نمی‌آید؛ حتی نویسنده از همین موضوع برای طنزآمیزتر شدن داستان و وسیع‌تر کردن تخیل کودک استفاده می‌کند. تمام شخصیت‌های این کتاب ساده هستند. ۳۷٪ شخصیت‌ها، اصلی و ۶۲٪ فرعی هستند. این شیوه حاکی از آن است که در این کتاب نیز کرانه شخصیت‌ها بالاست و تعداد شخصیت‌های اصلی با توجه به تعداد داستان‌ها (۱۲ داستان) زیاد هستند. ۷۵٪ شخصیت‌ها ایستا و ۲۴٪ پویا هستند یعنی بیشتر شخصیت‌های این کتاب کمتر دچار تغییر و تحول شده و تا پایان داستان ثابت مانده‌اند. با توجه به نمودار (۱) انواع شخصیت‌های این کتاب، تمثیلی، قالبی و نوعی است.

۳-۲-۱-۵ مقایسه انواع شخصیت‌ها در دو مجموعه داستان

با توجه به نمودار (۱)، شخصیت‌ها در کتاب فاصله‌ای که پیر شد تنوع بیشتری دارند. بنابراین این کتاب می‌تواند مخاطب کودک را با شخصیت‌های جدیدی روبه‌رو کند. در هر دو داستان شخصیت‌های تمثیلی بیشترین تعداد را به خود اختصاص می‌دهد. بنابراین هدف هر دو نویسنده این است که تفکر و مضمون مشخصی را به وسیله شخصیت‌ها به مخاطب خود منتقل کنند. با توجه به نمودار (۲) شخصیت‌ها با جنس‌های مختلف در هر دو مجموعه داستان وجود دارد اما بیشتری تعداد متعلق به شخصیت‌های دست ساخت است. با توجه به نمودار (۲) در کتاب "فاصله‌ای که پیر شد" شخصیت‌های ذهن ساخت نمود بیشتری دارند. استفاده از این نوع شخصیت‌ها موجب دور از ذهن‌تر شدن داستان‌های این کتاب شده که گاهی برخی شخصیت‌ها برای مخاطب کاملاً غیر واقعی است و به نظر می‌رسد دور از ذهن بودن بیش از حد این شخصیت‌ها مخاطب را از آن‌ها دور کرده و پذیرش آن‌ها برایش دشوار می‌گردد.



۳-۱-۵ دغدغه و کاستی‌های شخصیت‌ها در دو مجموعه داستان

در هر دو مجموعه شخصیت‌ها دغدغه‌های فکری دارند و با چالش‌هایی روبرو هستند. با توجه به جدول‌های (۳) و (۴)، این کاستی‌ها را در دو دسته کلی تقسیم می‌کنیم:

کاستی هویتی: شامل احساس به درد نخور بودن، دیده نشدن و راضی نبودن از خود است. نقص‌های بدنی را نیز در این دسته به شمار می‌آوریم.

کاستی به دلیل تأثیر محیط پیرامون (تأثیر اجتماع): شامل کمبود شریک زندگی، دوست، خانواده، کمبود محبت و نداشتن جایگاه در جامعه است.

۳-۱-۵-۱ دغدغه و کاستی‌های شخصیت‌ها در کتاب "سکوت کیست؟"

در کتاب «سکوت کیست؟» ۱۵٪ شخصیت‌ها دچار کاستی هستند که تقریباً همه آن‌ها کاستی خود را جبران می‌کنند. نگرانی‌ها و مشکلاتی که شخصیت‌ها با آن‌ها درگیر هستند به گونه‌ای است که حسی ترحم‌انگیز در مخاطب ایجاد

می‌کند. شخصیت‌های اصلی، اغلب دغدغه و مسئله‌ای اساسی دارند که بسیار فراتر از خودشان و گاه بی‌ارتباط با شخصیت آن‌هاست: قوری کوچک به دنبال معجزه است، ماشین قرمز کوچولو می‌خواهد بداند که سکوت کیست، بچه سنجاب برای رسیدن به زیبایی در ستاره از خودش می‌گذرد و در آخر آن را می‌یابد. در داستان‌های این کتاب برخی از شخصیت‌ها در خود احساس کاستی دارند و در انتهای داستان یا کاستی آن‌ها جبران شده و یا جبران نمی‌شود. این کاستی یا در خود آن‌هاست یا در محیط و یا در گروهی که شخصیت به آن تعلق دارد. با توجه به جدول (۳) این شخصیت‌های دارای کاستی از تمام انواع شخصیت در داستان‌های کودک انتخاب شده‌اند و تنوع آن‌ها بسیار زیاد است. با توجه به نمودار (۲) شخصیت‌های دست‌ساخت و جانوری نسبت به انواع دیگر شخصیت بیشتر دارای کاستی هستند.

شخصیت‌های دست‌ساخت مانند در خیلی پرسروصدا، توپ ترکیده، دکمه، ماشین قرمز، چکمه کهنه و بادکنک زرد، شخصیت‌هایی هستند که در خود کاستی احساس می‌کنند. هر کدام از شخصیت‌ها درصد جبران این کاستی هستند که یا خود آن را جبران می‌کنند (مانند دکمه) و یا فرد دیگری به آن‌ها کمک می‌کند (در خیلی پرسروصدا) و یا جامعه کاستی آن‌ها را جبران می‌کند (بادکنک زرد). «احساس به درد نخور بودن» به‌عنوان یک کاستی، نسبت به کاستی‌های دیگر بیشتر به‌کاررفته است. شخصیت‌های جانوری مانند ملخک، قورباغو، لککو و بچه سنجاب شخصیت‌هایی هستند که در خود احساس کاستی دارند. تسلیم-بودن در برابر قانون طبیعت یک نوع احساس کاستی است که شخصیت‌های ملخک و قورباغو و لککو در خود دارند و با برهم زدن این قانون و حفظ دوستی بین خود آن را جبران می‌کنند.

جدول (۳): شخصیت‌های دارای کاستی در کتاب "سکوت کیست؟"

شخصیت	ویژگی‌ها	کاستی	نوع کاستی	جبران کاستی
در خیلی پرسرو صدا	پرسروصدا، غمگین، ساکت، مهربان، درون‌گرا، هنرمند	سرو صدا داشتن	هویتی	دخترک نوازندگی اش را می‌فهمد
خواب کوچک پیزامه راه راه	ترسناک، خوش‌قلب، احساساتی، مهربان، خجالتی، مصمم	ترسناک بودن	هویتی	به خواب کسی نمی‌رود
ملخک	علاقه مند به دوستانش، دل‌رحم	تسلیم بودن در برابر قانون طبیعت	تأثیر اجتماع	بر هم زدن قانون طبیعت
قورباغی	علاقه مند به دوستانش، دل‌رحم	تسلیم بودن در برابر قانون طبیعت	تأثیر اجتماع	بر هم زدن قانون طبیعت
لککو	علاقه مند به دوستانش، دل‌رحم	تسلیم بودن در برابر قانون طبیعت	تأثیر اجتماع	بر هم زدن قانون طبیعت
برف دانه سبک مغز	عجول، علاقه مند به جلب توجه	بی توجهی دیگران نسبت به او	تأثیر اجتماع	سرعتش را برای رسیدن به زمین زیاد میکند
سه لیمو ترش	قدرت طلب، رویا پرداز	قدرت طلبی	هویتی	—
بچه سنجاب	زیبایی شناس، مهربان، فداکار	به دنبال زیبایی بودن	هویتی	از خودش می‌گذرد
توپ ترکیده	ترکیده، تنها، غمگین	به درد نخور بودن	هویتی	پیدا کردن یک دوست
دکمه	گمشده، تنها، غمگین	به درد نخور بودن	هویتی	پیدا کردن یک دوست
دخترک	خودخواه، مغرور	زیباتر نبودن	هویتی	از احساس ملوان سوء استفاده میکند
ماشین قرمز کوچولو	کنجکاو، ترسو	معنای سکوت را نمی‌داند	هویتی	به وسیله جامعه این کاستی او برطرف می‌شود.
چکمه کهنه	کهنه، عاشق، مهربان، احساساتی، اجتماعی	کهنه و تنها بودن	هویتی	به همه سلام می‌رساند
بادکنک زرد	شاد، امیدوار، به دنبال هدف وجود خود	به درد نخور بودن	هویتی	به وسیله جامعه این کاستی او برطرف می‌شود.

۲-۳-۱-۵ دغدغه و کاستی‌های شخصیت‌ها در کتاب "فاصله ای که پیر شد"

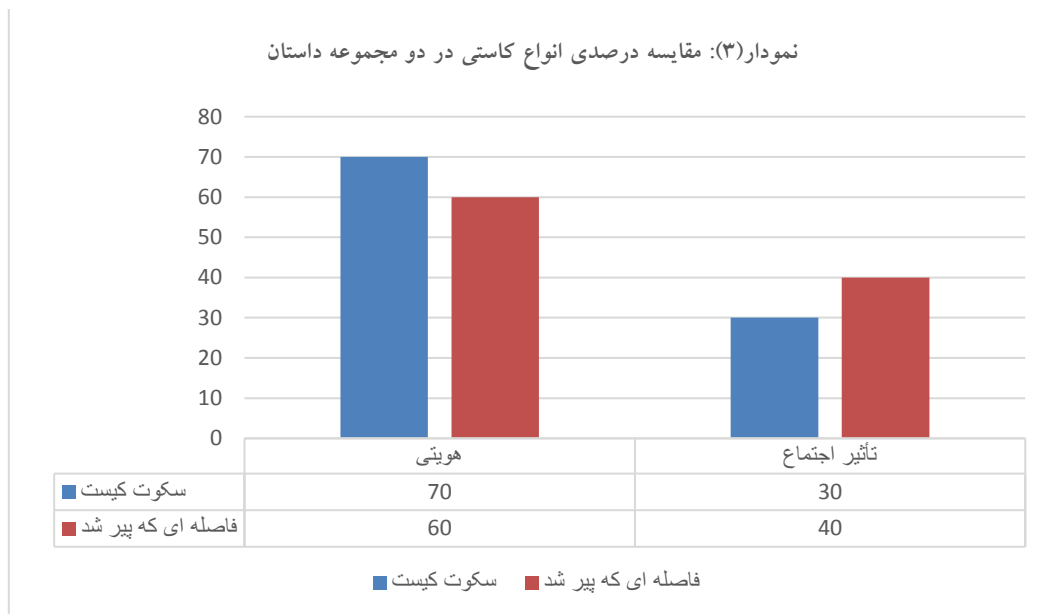
در کتاب «فاصله‌ای که پیر شد» ۴۰٪ شخصیت‌ها دچار کاستی هستند که اکثر آن‌ها کاستی خود را جبران می‌کنند. هر شخصیت دغدغه‌ای دارد؛ اما اغلب به نوع شخصیت و رفتاری که از او انتظار می‌رود نزدیک است: غبار کوچکی که در سیاره‌ای تنها زندگی می‌کند مسلماً آرزویش دیده شدن و پیدا کردن دوستانی جدید است، اسکلت که از جهان مرگ است آرزو دارد که برایش تولد بگیرند. با توجه به جدول (۴) شخصیت‌های دست ساخت و ذهن ساخت بیشتر دچار کاستی هستند.

جدول (۴): شخصیت‌های دارای کاستی در کتاب "فاصله ای که پیر شد"

شخصیت	ویژگی‌ها	کاستی	نوع کاستی	جبران کاستی
غبار کوچک	داستان سرا، تنها	دیده نشدن	هویتی	جبران نمی‌شود
جادوگر	بدجنس، بداخلاق، دزد	به دست آوردن چراغ جادو و بطری جن بوداده	هویتی	-
در خانه	با احساس	نوازش نشدن	تأثیر اجتماع	چراغ جادو او را نوازش میکند
چشمه	عاشق گل سرخ، صاف و زلال، به فکر بقای خود	نرسیدن به گل سرخ	تأثیر اجتماع	-
بوته گل	خوشبو، جذاب، عاشق چشمه	نرسیدن به چشمه	تأثیر اجتماع	-
فاصله	فداکار، با احساس	فاصله بودن	هویتی	با از بین بردن خودش
آقاهه	به دنبال عشق واقعی	تنهایی	تأثیر اجتماع	پیدا کردن چشمه (زن)
پله، آینه، لامپ، قالی، تیشه	رویاپرداز	آنچه هستند	هویتی	تخیل کردن
گورخر	رویاپرداز	آنچه هستند	هویتی	تخیل کردن
چشمه	رویاپرداز	آنچه هستند	هویتی	تخیل کردن
دخانمه	به دنبال عشق واقعی	نداشتن عشق	تأثیر اجتماع	پیدا کردن ماهی (مرد)
اسکلت	امیدوار، شاد	مردن	هویتی	زنده شدن
زنگوله پا	عاشق، قدرت نما	توجه گرگ به او	تأثیر اجتماع	خواستگاری از گرگ
آقای نمکدان	تنها، پیر، فرسوده، عاشق	فرسوده شدن	هویتی	رسیدن به خانم شکرپاش
هیولای سه پا	ترسناک	ترسیدن از خود	هویتی	شکستن آینه
هیولای سر عنکبوتی	ترسناک	ترسیدن از خود	هویتی	شکستن آینه
آلازنگی دیو	ترسناک	ترسیدن از خود	هویتی	شکستن آینه
دماغ جادوگر	مهربان	گم کردن جادوگر	تأثیر اجتماع	جادوگر را پیدا می‌کند
ناصر	شاعر، با احساس، مهربان	پذیرفته نشدن در جامعه	تأثیر اجتماع	دوری از جمع

۳-۳-۱-۵ مقایسه شخصیت‌های دو کتاب از لحاظ دغدغه‌ها و کاستی

با توجه به نمودار (۳) کاستی شخصیت‌ها در هر دو مجموعه داستان در دو نوع هویتی و اجتماعی است و کاستی‌های هویتی بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. شخصیت‌های مجموعه داستان "سکوت کیست؟" بیشتر دارای کاستی‌های هویتی و شخصیت‌های مجموعه داستان "فاصله ای که پیر شد" بیشتر دارای کاستی‌های اجتماعی هستند. بنابراین به نظر می‌رسد که نویسنده "سکوت کیست" بیشتر در صدد رشد دادن مخاطب از لحاظ هویتی و نویسنده "فاصله ای که پیر شد" قصد اجتماعی کردن مخاطب را داشته است.



۲-۵ شخصیت‌پردازی در دو مجموعه داستان

در کتاب «سکوت کیست؟» نام‌گذاری شخصیت‌ها به شکلی است که ویژگی‌های آن‌ها را نیز شامل می‌شود. این نام‌ها گاهی حتی یک گروه اسمی طولانی است؛ اما نویسنده هر بار نام شخصیت را به‌طور کامل به کار می‌برد. این شیوه نام‌گذاری به صورتی به‌کاررفته که نه‌تنها آزاردهنده نیست؛ بلکه مایه‌هایی از طنز را به همراه دارد؛ مانند میز تحریر تقریباً دست و پاگیر، صندلی سینه جلو داده بالاتنه بلند، خواب کوچک پیژامه راه راه به تن و ...

شخصیت‌پردازی از طریق گفت‌وگو ۶۸٪ و از طریق روایت و توصیف ۴۲٪، بیشترین نوع شخصیت‌پردازی هستند. انواع دیگر شخصیت‌پردازی به میزان کمتری در داستان‌های این مجموعه وجود دارد. گفتگوی شخصیت‌ها در این کتاب گاهی نمایانگر خصوصیات آن‌هاست: «...صندلی سینه جلو داده بالاتنه بلند دادش به هوا رفت: این سروصدا مرا کشت! (قلی‌اف، ۱۳۷۵: ۸) که بیانگر شخصیت عصبانی و مغرور صندلی است. یا گاهی بیانگر قسمتی از پیام داستان است: «... عنکبوت کوچولو با نگرانی توضیح داد: به نظر من آن‌هایی که دستمال‌سفره‌های توری ظریف می‌تند، نبایستی خون بخورند. این دو کار با هم جور در نمی‌آید.» (همان: ۶۴) گفتگوی شخص با خودش نیز گاهی نشان‌دهنده افکار و احساسات و حتی بیانگر بخشی از پیام داستان است: «...مداد معمولی به حرف‌های چراغ‌خواب می‌اندیشید: چه موجود عجیبی، می‌گوید چرا من داستان خیال‌انگیز می‌نویسم. چرا خودش شب‌ها که همه خواب هستند، می‌درخشد؟ چراغ عجیبی است...» (همان: ۲۰)

بنابراین در این کتاب فهم شخصیت‌ها بر عهده خود مخاطب گذاشته شده است که به کار بردن این نوع شخصیت-پردازی در داستان‌ها موجب می‌شود تا مخاطب این گروه سنی بیشتر بیندیشد و درک او از مطلب بالاتر برود.

در کتاب «فاصله‌ای که پیر شد» نویسنده گاهی برای شخصیت‌ها و فضای داستان، توصیفات زیادی می‌آورد که موجب ملموس‌تر شدن شخصیت‌ها و فضای داستان می‌شود؛ مانند: «یک چشمه بود که آبی داشت صاف و زلال، مثل اشک چشم ... آن وقت شب، شیرینی‌فروشی خلوت بود. شهر هم خلوت بود ...» (شمس، ۱۳۹۳: ۳۱) در این کتاب، شخصیت‌پردازی بیشتر از طریق روایت و توصیف، گفتگو و کنش است. در این مجموعه، نویسنده بیشتر از روش روایت و توصیف استفاده کرده است. «هیولا به‌جای دست چند جفت شاخک خرچنگی داشت و به‌جای زبان یک مار سیاه بزرگ توی دهانش بود که می‌توانست به‌راحتی فیل را قورت بدهد. هیولا یک عالمه پا داشت. پاهایی باریک و نازک که انگار پا نبودند، ترکه‌های گوشتی بودند...» (همان: ۶۲) این نوع از شخصیت‌پردازی در این داستان‌ها موجب می‌شود که مخاطب بتواند مفاهیم ذهنی نویسنده را در ذهن خود متصور شده و از غیر قابل باور بودن آن اندکی بکاهد بنابراین مخاطب درگیر داستان و شخصیت‌ها شده و تأثیر بیشتری می‌پذیرد.

۳-۵ مضامین اجتماعی انتقال‌یافته از طریق شخصیت‌ها در دو مجموعه داستان

هر دو نویسنده با استفاده از شخصیت‌های ساده و نو توانسته‌اند مضامین اجتماعی پیچیده‌ای مانند صلح، عشق و... را به صورتی ساده و گاه در قالب طنز بیان کنند. هر دو نویسنده به وسیله شخصیت‌های تمثیلی فکر و مضمون خاصی را به مخاطب خود انتقال داده‌اند.

۱-۳-۵ مضامین اجتماعی در داستان‌های «سکوت کیست؟»

مفاهیم اجتماعی را که نویسنده قصد بیان آن را داشته به صورت جزئی تر و تیتروار می‌توان به شکل زیر بیان کرد:

۱- صلح در داستان‌های: قانون طبیعت، یک تفنگ و یک قلب ۲-عشق در داستان‌های: قصه درباره به شکل چیزا در آمدن، جعبه آبرنگ، چکمه کهنه سلام می‌رساند، عطر و بوی خوش ۳-خود باوری در داستان : بادکنک زرد ۴-توجه به هنر و هنرمند در داستان‌های: در خیلی پرسروصدا، ساعت آهنگین، داستان‌های خیال انگیز مداد معمولی، یاد دادن رفتار درست به جارو، دستمال سفره ای توری ظریف، سنجا فک سبز، قوری کوچک ۵-زیبایی شناسی در داستان: ستاره ای که از همه ستاره ها کوچکتر بود ۶-مهربانی در داستان‌های: پر سفید، خواب ترسناک ۷-دوستی در داستان: توپ ترکیده ۸-غنیمت دانستن زندگی، لذت بردن از لحظات در داستان: برف دانه سبک مغز ۹-برابری انسان‌ها در داستان: قدم رو ۱۰-ستایش سکوت در داستان: سکوت کیست

بنابراین مشخص شد که تعداد داستان‌هایی که نویسنده در مفهوم «هنر» و «عشق» به‌کاربرده است از سایر داستان‌ها بیشتر است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که دغدغه اصلی نویسنده روسی پرداختن به این دو مقوله مهم برای نوجوانان است.



۱-۱-۳-۵ بررسی مضمون «توجه به هنر» در داستان‌های «سکوت کیست؟»

در داستان‌های با مضمون «هنر»، نویسنده روسی، هنرمند را فردی جدا از جامعه خود نمایش می‌دهد. شخصیتی که برخلاف قوانین و عرف جامعه پیش می‌رود و مورد سرزنش همگان است. هر داستان به یک‌شکل دغدغه «هنر» را بیان می‌کند. برای مثال در داستان «در خیلی پرسروصدا» یک کودک آنچه زشت پنداشته می‌شده؛ یعنی قژقژ کردن وسایل کهنه را زیبایی خام می‌بیند و آن را به یک زیبایی پخته و هنر محض تبدیل می‌کند. در این داستان هر چند «در»، هنرمند واقعی است؛ اما مسئله قابل توجه کشف هنر و استعداد توسط هنرشناس است که یک کودک است. همچنین انتخاب قلب آهنگین برای «کمد دیواری سرتاپا آینه» و قلب صامت و ساکت برای «در»، تناقض زیبایی را ایجاد کرده است. شخصیت در پرسروصدا شخصیتی است که به کاستی خود باور دارد و به صدای آهنگین در شیشه‌ای شفاف غبطه می‌خورد، در صورتی که هنر واقعی را او از ابتدا داشته است و شخصیت‌های دیگر وقتی کهنه می‌شوند آن را به دست می‌آورند. جملاتی که در داستان به چشم می‌خورند می‌تواند ما را از ظاهر عادی داستان به باطن آن متوجه کند: مثلاً در جایی که نویسنده درباره «در» می‌گوید: «...سرانجام موسیقی قلب خود را آشکار کرده بود ...» (قلی‌اف، ۱۳۷۵: ۱۰)، نشان‌دهنده هنر بالقوه‌ای است که کشف شده؛ یعنی کاستی او به نحوی جبران شده است.

۲-۱-۳-۵ بررسی مضمون «عشق» در داستان‌های کتاب «سکوت کیست؟»

در داستان‌هایی که مضمون آن‌ها عشق است، هم حرف از جدایی است هم حرف از وصال و هم بی‌وفایی معشوق. در تمام این داستان‌ها نویسنده درصدد است تا عشق را در قالب شخصیت‌هایی ملموس به کودک بیاموزد؛ این ویژگی همه داستان‌های این کتاب است که موضوعاتی ژرف و بسیار پیچیده را بسیار ساده به کودک آموزش می‌دهد. برای مثال در داستان «چکمه کهنه سلام می‌رساند»، چکمه و پله چهارم نانویی سال‌هاست از هم دورند؛ اما هنوز به یاد هم هستند و این جدایی، عشق آن‌ها را از بین نبرده است. چکمه کهنه با وجود تمسخر دیگران به‌خوبی نیاز پله چهارم را می‌داند. «...آقای چکمه کهنه با اعتراض گفت: نخیر، می‌میرند همه دوست دارند بهشان سلام برسانند. چون می‌فهمند که دوستانشان آن‌ها را فراموش نکرده‌اند...» (همان: ۷۹) از طرفی علاقه‌مندی چتر به کیف پارچه‌ای گل‌دار نیز در این

داستان قابل توجه است که چتر به خاطر اینکه نظر کیف پارچه‌ای گل دار اشتباه از آب درنیامده باشد درباره پله چهارم حرفی به کسی نمی‌زند. این داستان غیرمنطقی بودن عشق را بیان می‌کند.

۲-۳-۵ مضامین اجتماعی در داستان‌های «فاصله‌ای که پیر شد»

مفاهیم اجتماعی را که نویسنده قصد بیان آن را داشته به صورت جزئی تر و تیتروار می‌توان به شکل زیر بیان کرد:

- ۱- صلح در داستان‌های: سنگول و منگول و حبه انگور ۲، سیب کرم به دوش، ناصر ۲- عشق در داستان‌های: فاصله‌ای که پیر شد، یه روز یه آقاهه، آقای نمکدان، عروسی ۳- ستایش هنر و هنرمند در داستان‌های: غبار کوچک، ناصر ۴- از بین بردن ترس در کودک در داستان‌های: غول و چراغ جادو، آرزوی اسکلت، آینه‌ها، دماغ جادوگر ۵- امید در داستان: آرزوی اسکلت

تمام مضامینی که در داستان‌های این مجموعه به کاررفته‌اند، مضامین اجتماعی هستند. «صلح» در سنگول و منگول و حبه انگور ۲، «عشق» در فاصله‌ای که پیر شد، «ستایش هنر و هنرمند» در غبار کوچک، «از بین بردن ترس در کودک» در غول و چراغ جادو و «امید» در آرزوی اسکلت. بیشترین مضامینی که نویسنده ایرانی در کتاب خود به کار برده «از بین بردن ترس در کودک»، «صلح» و «عشق» هستند.

۱-۲-۳-۵ بررسی مضمون «از بین بردن ترس» در کتاب «فاصله‌ای که پیر شد»

در داستان‌های با مضمون «از بین بردن ترس»، نویسنده شخصیت‌هایی را که در داستان‌های ترسناک اغلب موجب ترس کودکان هستند با به‌کارگیری طنز، مهربان و یا فردی با حماقت‌های خنده‌دار نشان می‌دهد. مثلاً در داستان «غول و چراغ جادو» شخصیت‌هایی مانند جن بوداده، نه تنها شخصیتی منفی نیست؛ بلکه دوست غول مهربان داستان است که غول به خانه او می‌رود و او را همچون ذرت بوداده بو می‌دهد؛ یا غولی که با وسایل خانه‌اش ارتباطی نزدیک و عاطفی دارد. همچنین شخصیت جادوگر در این داستان خانه شکلاتی و آب‌نباتی دارد. در داستان «دماغ جادوگر» نیز شخصیت جادوگر بسیار مهربان توصیف شده است. شخصیتی که خانه شکلاتی دارد و با مردمی که دماغ او را به او برگرداندند مهربانی می‌کند. در داستان «آرزوی اسکلت»، اسکلت که همیشه نماد وحشت و مرگ است، شخصیتی شاد و امیدوار که آرزوی او آرزوی همه بچه‌ها است: جشن تولد و خریدن کیک تولد. «...اسکلت از بچگی آرزو داشت برای خودش جشن تولد بگیرد» (شمس، ۱۳۹۳: ۴۲).

۲-۲-۳-۵ بررسی مضمون «صلح» در کتاب «فاصله‌ای که پیر شد»

هنجارشکنی نویسنده در این داستان‌ها بسیار بارز است. در داستان سیب کرم به دوش، صلح بین پدیده‌ها با شکستن قانون طبیعت اتفاق افتاده است، بادی که آرزوی سیب را برآورده می‌کند، سیبی که دوتا کرم دارد؛ ولی از کرم‌های خود مواظبت می‌کند، درختی که ابتدا نگران برگ‌هایش است و سیب را از شاخه پایین می‌اندازد؛ اما هنگامی که مورچه‌ها سیب بدون کرم را به درخت برمی‌گردانند، درخت برای تشکر به آن‌ها شیر می‌دهد، مورچه‌هایی که سیب غذایشان است؛ اما آن را به شاخه برمی‌گردانند و سیب دوباره سیب می‌شود! همچنین این داستان شباهت بسیاری با داستان ضحاک ماردوش دارد، گویی نویسنده سعی دارد با اشاره به اینکه سیب آرزو کرد پادشاه تمام سیب‌ها شود و باد شانه‌هایش را بوسید و دو کرم از شانه‌هایش درآمد، داستان ضحاک را به شکلی عاطفی و کودکانه بازگویی کند. در این داستان نیز کرم‌ها باعث دردسر سیب شده‌اند؛ اما برخلاف داستان ضحاک سیب از دست آن‌ها خلاص می‌شود و دوباره به درخت برمی‌گردد و آرزو می‌کند چراغ راهنمایی شود. نویسنده پایان داستان را باز گذاشته تا کودک بتواند ادامه‌اش را با تخیل خود بسازد. «...سیب قرمز دوباره سیب شد. دوباره خوابید. دوباره خواب دید. خواب دید چی شده؟ چراغ راهنمایی شده. سبز... قرمز... سبز... قرمز... سبز...» (همان: ۷۵).

۳-۲-۳-۵ بررسی مضمون «عشق» در کتاب «فاصله‌ای که پیر شد»

در داستان‌های با مضمون عشق، نویسنده سعی می‌کند عشق واقعی را که مفهوم پیچیده‌ای است به تصویر بکشد؛ اما

بسیار ساده بیان شده است. در داستان «فاصله‌ای که پیر شد»، عشق بوته گل سرخ و چشمه به همدیگر، عشق واقعی نیست؛ زیرا هیچ‌کدام از آن‌ها حاضر نیستند از جای خود حرکت کنند و بقا برایشان مهم‌تر است؛ اما «فاصله» که تمام جدایی‌ها را تقصیر او می‌اندازند، حاضر است به خاطر عشق آن‌ها خود را نابود کند (آن‌ها به هم برسند و فاصله از بین برود) در اینجا است که جدایی، گل سرخ و چشمه را خشک می‌کند و اندوه، فاصله را پیر. از منظری دیگر این داستان به داستان «ناصر» شباهت دارد که هر دو شخصیت از آنچه هستند راضی نیستند و به دلیل روحیه لطیف و مهربانشان می‌خواهند چیزی برخلاف آنچه هستند باشند: چاقو دلش نمی‌خواهد چیزی را ببرد و فاصله، نمی‌خواهد بین دو نفر جدایی بپندازد! «... فاصله که حالا دیگر حسابی پیر شده بود، برای آخرین بار به چشمه که دیگر نبود و به بوته گل که خشک شده بود نگاه کرد و آه کشید. این آخرین آه فاصله بود...» (همان: ۳۵). در داستان «یه روز یه آقاه» وصال مرد و زن، به شیوه‌ای نو بیان شده است. مردی به دنبال چشمه است و در آخر چشمه واقعی را می‌یابد که همان زن داستان است: «... چشمه قل قل خنده زد. ماهی قلوپ قلوپ خوشحال شد. بیستون اومد نشست بالا سرشون. آبشار اومد نشست رو پیشونی اون. جنگا اومد نشست دور و ورشون. دریا صداشون کرد. چشمه گفت بریم؟ ماهی گفت بریم، رفتند» (همان: ۳۹).

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش شخصیت‌های دو کتاب «فاصله‌ای که پیر شد» و «سکوت کیست؟» بررسی و تحلیل شد. داستان‌های هر دو کتاب سمبلیک و شخصیت‌ها تمثیلی هستند. هر شخصیت نماد یک تفکر است. همچنین هنجارشکنی‌هایی که در داستان‌ها اتفاق افتاده باعث می‌شود تا ذهن کودک خلاق شود و نسبت به همه چیز خیال‌پردازی کند و گسترش دامنه تخیل یک کودک به منزله موفقیت‌های بیشتر او در آینده خواهد بود. شخصیت‌ها با جنس‌های مختلف در هر دو مجموعه داستان وجود دارد اما بیشتری تعداد متعلق به شخصیت‌های دست ساخت است. شخصیت‌های هر دو کتاب ساده هستند و اغلب وسایلی هستند که در داستان‌های کودک زیاد مورد توجه قرار نگرفته‌اند. فایده به‌کارگیری این‌گونه شخصیت‌ها، آشنایی هر چه بیشتر کودک با وسایل و موضوعاتی است که در زندگی روزمره هرگز به آن‌ها توجه نشده است.

در داستان‌های هر دو کتاب، شخصیت‌ها یا دغدغه‌ای دارند که برای رسیدن به آن در تلاش‌اند و یا دارای رفتاری متضاد با جامعه خود هستند. هر دو نویسنده با بیان اینکه هرگز نباید همرنگ با جماعت بود و باید برای صلح و دوری از خشونت تلاش کرد این شخصیت‌ها را در داستان به شیوه‌ای تمثیلی به‌کار برده‌اند. در هر دو کتاب شخصیت‌هایی وجود دارند که با توجه به کاستی‌ای که در وجودشان دارند گاه خودشان در صدد جبران آن هستند و گاه وضعیت موجود بر آن‌ها مؤثر است که همین کاستی موجب انتخاب هدف زندگی برای آن‌هاست. کاستی شخصیت‌ها در هر دو مجموعه داستان در دو نوع هویتی و اجتماعی است و کاستی‌های هویتی بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که هر دو نویسنده با استفاده از شخصیت‌های ساده و نو توانسته‌اند مضامینی پیچیده مانند صلح، عشق و غیره را به صورتی ساده و گاه در قالب طنز بیان کنند. شخصیت‌ها مطابق با نیازهای اجتماعی یک کودک یعنی آرامش و صلح، خدمت به دیگران، مهربانی، دوستی، توجه به پیرامون و... طراحی شده‌اند: در کتاب «سکوت کیست؟» مضامین عشق و توجه به هنر و در کتاب «فاصله‌ای که پیر شد» مضامین عشق، صلح و از بین بردن ترس بیشتر بیان شده‌اند. بعضی از شخصیت‌های دو کتاب وضعیت تقریباً مشابهی دارند: شخصیت «ناصر» و «عنکبوت کوچولو» هر دو هنرمند هستند و برخلاف جامعه خشن خود رفتار می‌کنند. در هر دو کتاب توجه به هنر مخصوصاً هنر داستان‌نویسی دیده می‌شود که اتفاقاً هر دو نیز این مضمون را به صورت هنجارشکنی به‌کار برده‌اند.

در کتاب "فاصله ای که پیر شد" شخصیت‌های ذهن ساخت نمود بیشتری دارند. استفاده از این نوع شخصیت‌ها موجب دور از ذهن تر شدن داستان‌های این کتاب شده در صورتی که شخصیت‌های کتاب "سکوت کیست؟" اغلب برای کودک آشنا و ملموس بوده و منجر به انس بیشتر مخاطب با داستان‌ها می‌شود. شخصیت‌های مجموعه داستان "سکوت کیست؟" بیشتر دارای کاستی‌های هویتی و شخصیت‌های مجموعه داستان "فاصله ای که پیر شد" بیشتر دارای کاستی‌های اجتماعی هستند. بنابراین به نظر می‌رسد که نویسنده "سکوت کیست" بیشتر در صدد دادن مخاطب از لحاظ هویتی و نویسنده "فاصله ای که پیر شد" قصد اجتماعی کردن مخاطب را داشته است.

فهرست منابع

- ایمن، لیلی و دیگران، *گذری در ادبیات کودکان*. ج ۵. تهران: شورای کتاب کودک. (۱۳۷۵).
- براهنی، رضا. *قصه‌نویسی*، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه. (۱۳۹۳).
- پولادی، کمال. *بنیادهای ادبیات کودک*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. (۱۳۸۴).
- حجازی، بنفشه. *ادبیات کودکان و نوجوانان: ویژگی‌ها و جنبه‌ها*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان. (۱۳۸۱).
- حجوانی، مهدی. *زیبایی‌شناسی ادبیات کودک*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (۱۳۸۹).
- خسرونژاد، مرتضی. *معصومیت و تجربه (درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک)*. تهران: نشر مرکز. (۱۳۸۲).
- دانشنامه زبان و ادب فارسی*. به سرپرستی اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. (۱۳۸۴).
- شمس، محمدرضا. *فاصله‌ای که پیر شد*. تهران: پیدایش. (۱۳۹۳).
- عبداللهی، حمید. *شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان معاصر*. تهران: آن. (۱۳۸۱).
- قلی‌اف، یفگنی. *سکوت کیست؟ (داستان‌های خیال‌انگیز برای کودکان و نوجوانان)*. ترجمه شهلا طهماسبی. تهران: نشر چشمه. (۱۳۷۵).
- گزارش شورای کتاب کودک: (۱۳۵۳).
- میرصادقی، جمال؛ *عناصر داستان*، {ویرایش ۳}، تهران: سخن، (۱۳۷۶).
- نکاتی درباره ادبیات کودکان، *شورای کتاب کودک*، (۱۳۵۶).
- یونسی، ابراهیم؛ *هنر داستان‌نویسی*، {ویرایش ۲}، چاپ یازدهم، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، (۱۳۶۹).

- 1- Abrams, M. H. (2009). A Glossary of Literary Terms. Wadsworth Publishing Col Ince, International. Ed. 9th...
- 2- <http://fa.m.wikipedia.org>
- 3- <https://m.livvelib.ru/author/evgenij-klyuev>